

قاتل خبرنگار خارجی

به ۲۰ سال حبس محکوم شد



دادگاه عالی افغانستان یک افسر پولیس را به خاطر کشتن یک فوتوژورنالیست و مجروحیت یک خبرنگار دیگر از روزنامه اسوشیتدپرس، به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. نقیب الله، درست یک سال پیش به نیدرنگ هاوس و کیتی گانون - که به خاطر پوشش انتخابات ریاست جمهوری ماه اپریل، به بیرون از شهر خوست رفته بودند - بدون هشدار، شلیک کرده بود. دادگاه عالی افغانستان از حکم دادگاه استیناف حمایت کرده و آن را برقرار اعلام کرد. پیش از آن، یک محکمه ابتدایی، نقیب الله فرمانده یک پاسگاه پولیس را به اعدام محکوم کرده بود که از سوی محکمه استیناف به ۲۰ سال زندان کاهش یافت. نقیب الله ۲۶ ساله به اتهام قتل و خیانت محکوم شده است. در جریان محاکمه وی، نقیب الله هیچ دلیلی را به خاطر گلوله باری که انجام داده بیان نکرد. گفتنی است که سال گذشته یک افسر پولیس یک خبرنگار خارجی را در ولایت خوست کشت و یک تن دیگر را مجروح کرد.

ریاست اجرایی:

شکرپه بارکزی مورد قبول نیست

بارکزی را
در دقیقه ۹۰ وارد
فهرست ساختند



به زودی داکتر
عبدالله در این مورد با
اشرف غنی صحبت می‌کند
و شخص دیگری به این
پست گماشته خواهد
شد.

صحنه ۶

وزارت تحصیلات عالی:

راه نیافتن صد هزار تن به دانشگاه‌ها تکان دهنده نیست



یعنی خوب است. برعکس ما فکر می‌کنیم که به کمیت پرداخته ایم و به کیفیت توجه نکرده ایم. کیفیت پایین علمی افغانستان از نظر داشتن...

ادامه صفحه ۶

تحصیل به صفوف مخالفین می‌پیوندند و در دسرهای بیشتری برای افغانستان خلق می‌کنند. وزارت تحصیلات عالی افغانستان می‌گوید که با گذشت هر سال تعداد ده‌ها هزار دانش آموز از مکاتب فارغ می‌شوند و به شمار اشتراک کنندگان در کانکور افزوده می‌شود، ولی دولت توان جذب همه را در دانشگاه‌های دولتی ندارد. در حال حاضر تنها چهار درصد بودجه به معارف و تحصیلات عالی اختصاص یافته است.

محمد عثمان بابری سرپرست وزارت تحصیلات عالی افغانستان روز یکشنبه ۹ حمل ۱۳۹۳ به پرسش‌های سناتوران در مجلس سنا پاسخ داد. آقای بابری گفت: «ما که ارقام (ناکام‌های کانکور) را با بسیاری کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم، ارقام ما بسیار تکان دهنده نیست

ناکام ماندن بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز در کانکور امسال، انتقادهایی را برانگیخته است. وزارت تحصیلات عالی می‌گوید به دلیل بودجه اندک نمی‌تواند ظرفیت جذب دانشجویان را بلند ببرد.

بیش از ۲۱۹ هزار تن از فارغان صنف دوازدهم در امتحان کانکور شرکت کردند که از این میان ۵۴ هزار تن در موسسات تحصیلات عالی دولتی جذب شدند. بیش از ۵۰ هزار تن دیگر در موسسات تحصیلی نیمه عالی و خصوصی معرفی شده‌اند.

بیشتر دانشجویانی که ناکام می‌مانند، توان تحصیل در موسسات تحصیلی خصوصی را ندارند. آن‌ها مجبورند برای کار راه مهاجرت را در پیش گیرند و یا در داخل افغانستان وارد بازار کار شوند. سناتوران افغان نگرانند که این جوانان به دلیل بی‌کاری و ناامیدی از ادامه

در برگ‌ها



سیاسی سازی
قومیت:
بازی مخوف
اما بی‌برنده!

«کمیابی»
«انتخاب»
و مشکل
اصلی اقتصاد



رویکردی
کلامی
به مسأله شر
در هستی

آیا مشکل معرفت
دینی جامعه
به تعویذ نویسان
و مجاوران
زیارت‌ها
برمی‌گردد؟



کرزی:

حضور داعش در افغانستان غیر حقیقی و تبلیغاتی است



می‌گوید: جنگ با تروریسم نتیجه‌ی را در بر نداشت.

کرزی اضافه کرد: یکصد پانزده هزار نیرو امریکایی و خارجی در افغانستان و پاکستان موفق به شکست تروریست‌ها نشده‌اند، پس چطور می‌توان انتظار داشت که امریکایی‌ها فقط با ۱۰ هزار نیرو بتوانند آن‌ها را شکست دهند.

وی خاطر نشان کرده...
ادامه صفحه ۶

حامد کرزی رییس جمهور پیشین حضور داعش در افغانستان را غیرحقیقی و موضوعی تبلیغاتی دانست.

حامد کرزی رییس‌جمهوری سابق افغانستان در سفر به استرالیا گفته است: حضور نیروهای خارجی در افغانستان در سیزده سال گذشته بهره‌ی برای افغانستان نداشته و جنگ تاکنون ادامه دارد.

کرزی که در دوران حکومت خود روابط خوبی با امریکا نداشت، در سال‌های پایانی دولت خود نیز با امتناع از امضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن به شدت مقامات کاخ سفید را خشمگین کرده بود.

رییس‌جمهوری سابق افغانستان حضور نیروهای خارجی را در افغانستان ناکام عنوان کرده و

خوش‌بینی امریکا از همکاری

پاکستان در گفت‌وگوهای صلح

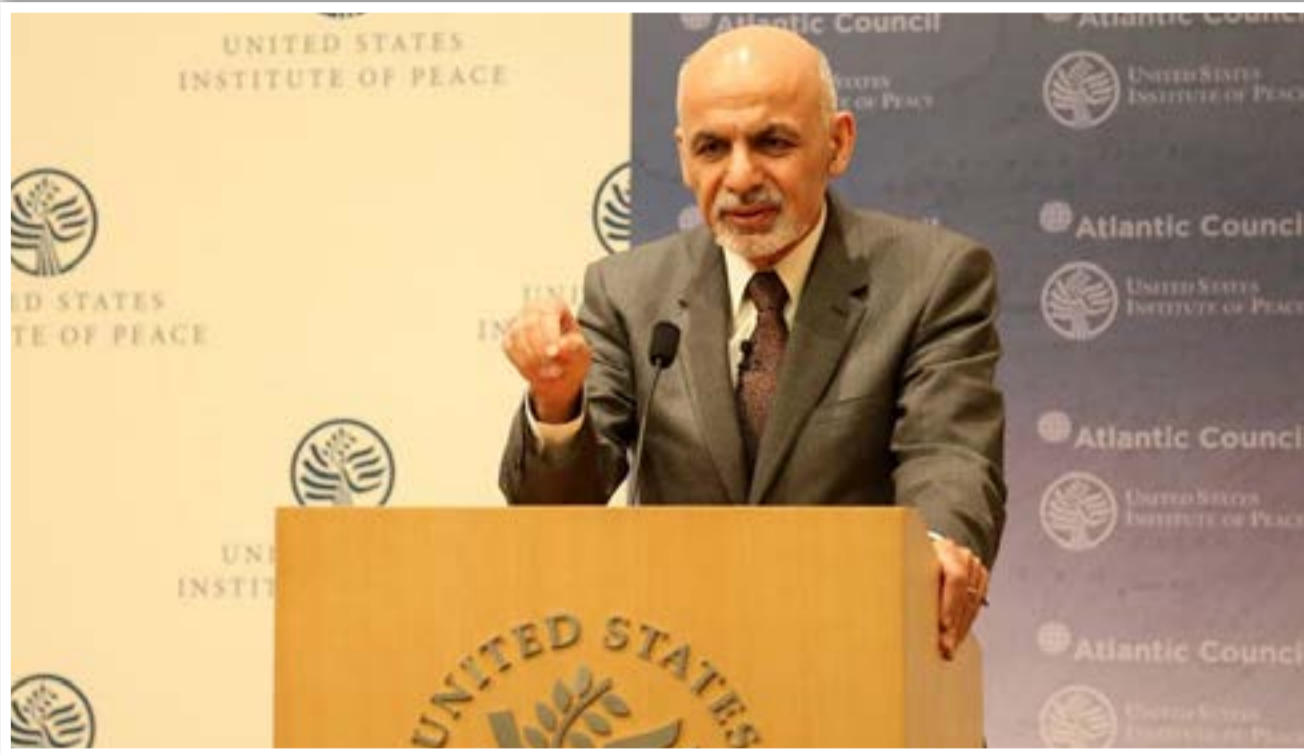


نماینده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان گفته است که اسلام آباد برای آوردن صلح در افغانستان صادقانه تلاش می‌کند. دانیل فیلمن، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان و پاکستان تاکید کرده است که پاکستان این کار را برای دفاع از مرزهای خودش جدی می‌گیرد. وی گفته است: «امن فکر می‌کنم تلاش‌های صادقانه‌ی از سوی پاکستان در...»
ادامه صفحه ۶

علی پارسا

سیاسی سازی قومیت؛

بازی مخوف اما بی برنده!



مسئله قومیت از سطح هویت بخشی به عنوان یک پدیده فرهنگی، به سطح تبعیض آفرینی به عنوان یک پدیده سیاسی تحول می یابد. به این معنا که گرایش های قومی سیاسیون و دولت مردان، مخرب ترین و زنده ترین اثری که از خود به جای می گذارد، این است که سبب می شود مسئله قومیت رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرد. به این ترتیب «قومیت» که اصولاً پدیده بی هویتی در عرصه اجتماع و فرهنگ است و فی نفسه هیچ تهدیدی را فراروی جامعه قرار نمی دهد، با سیاسی شدن، عرصه را برای چندپاره گی اجتماعی فراهم می کند. در این فضای جدید هم واضح است که دود این پویش های رادیکال قومی جدید، پیش از هر کس دیگری به چشم دولت مردان اقتدارطلبی می رود که چشم امیدی به حمایت همه مردم و گروه های قومی از خود دارند.

نه تنها اقدامات رییس جمهور غنی، بلکه کنش های بسیاری از سیاسیون و دولت مردان دیگر هم متأسفانه آگاهانه یا ناآگاهانه بر پایه همین اصل قومیت شکل می گیرد. پا گرفتن و ریشه دوانیدن این گونه گرایش ها، یکی از خواست ها و آرزوهای اصلی دشمنان افغانستان است. عمیق تر کردن شکاف های قومی و رادیکالیزه کردن مسئله قومیت در افغانستان، اصلی ترین گام در تفرقه افکنی میان مردم افغانستان و در نتیجه کشاندن پای افغانستان به تکرار تجربه تلخ جنگ ها و اختلافات داخلی است.

مسئله گروگان گیری های اخیر با نوعی گزینش قومی و یا حملات هدف مند دشمن در مساجد و خانقاه های مذهبی، همه به وضوح نشان دهنده تلاش پیگیر دشمن در برجسته کردن این اختلافات قومی است. در چنین فضایی، اقدامات یک جانبه رهبران حکومت وحدت ملی با رنگ و بوی قومی، بزرگ ترین تیشه بی است که یک حاکم می تواند به ریشه خود بزند و جز آب به آسیاب دشمن انداختن، نخواهد بود.

پس خالی از لطف نیز نخواهد بود اگر بار دیگر هشدار دهیم که بازی با کارت قومیت، بازی بی برنده بی ست که جز دشمنان کشور، هیچ کس از آن سود نخواهد برد!

در کنار این حرکت ها، اقداماتی مانند به تعویق انداختن روند توزیع شناسنامه های الکترونیکی هم توجیه و تبیینی جز تلاش های مذبوحانه سیاسی با بن مایه های قومی ندارد. گمان غالب بر این است که علت اصلی به تعویق افتادن این روند ملی که بدون شک برآورنده منافع ملی کشور است، تنها و تنها ترس از آشکار شدن میزان نفوس همه اقلیت های قومی در افغانستان است که می تواند بر خلاف برآوردهایی که پیش از این شده، تغییرات غافل گیرکننده بی رونما کند.

از سوی دیگر تلاش های اخیر که به منظور مصالحه با طالبان صورت گرفته هم تا این جای کار نشان داده که عموماً مبتنی بر اصل انحصارطلبی با تم گرایش های قومی رییس جمهور بوده است. این تلاش ها به حدی انحصارگرایانه بوده که حتا رییس اجرایی حکومت هم درباره این روند از اطلاعات موثق و دسته اول آگاه نیست. داکتر عبدالله عبدالله در سخنانش در دهلی نو، با شک و تردید درباره عدد نشست های احتمالی انجام شده، گفت که یک یا دو یا سه نشست مشترک تا کنون صورت گرفته است! این امر به خوبی نشان می دهد که پشت پرده ادعاهای ملی گرایانه و شعارهای پرشور شفاف بودن روند گفت وگوهای صلح، حتا مقامات دسته اول حکومت هم در حاشیه قرار گرفته اند.

تمام این واقعیت های تلخ به خوبی نشان می دهد که در حکومت وحدت ملی هم برخلاف نام و عنوان آن، عملکردها تا کنون قومی بوده است. بر پایه این منطق، سکوت ممتد رییس جمهور غنی در قبال ۳۱ تن اسیر هزاره بی که در ولسوالی شاه جوی ولایت زابل ربوده شده اند، از یک سو و «پوزش طلبی» از طالبانی که تا کنون چیزی جز کشت و خون از آن ها ندیده ایم، در شهر و موقعیت استراتژیکی چون واشنگتن که گوش همه دنیا به او بود از دیگر سو، چیزی جز کوفتن بر طبل قومیت نیست!

این اقدامات و واقعیت های تلخ، همه متأسفانه در روند «سیاسی سازی قومیت» نقش اثرگذاری خواهد داشت. وقتی رییس جمهور یک کشور گرایش های قومی و گروهی را بر منافع و مصالح ملی ارجحیت دهد، واضح است که

بعد از ۱۴ سال از عمر نظام جدید پسا طالبانی، بازی های قومی از سوی سیاسیون و دولت مردان هنوز در رأس کنش های سیاسی قرار دارد. حکومت وحدت ملی هم در این شش ماهه آغازین کارش، نه تنها مرهمی بر این درد دیرین نگذاشته؛ که حتا برخلاف شعارهای گرم انتخاباتی اش، بارها در راستای سیاسی سازی مسئله قومیت قدم برداشته است. از ترکیب و ساختار اداره امور و دفتر ریاست جمهوری و ترکیب قومی کابینه گرفته تا تلاش های جدید برای مذاکره با طالبان و پاکستان و به تعویق انداختن معنادار روند توزیع شناسنامه های الکترونیکی، همه و همه از مواردی است که به نوعی نشان از گرایش های قومی گذاخته در لایه های بالای حکومت وحدت ملی دارد.

حالا که قریب به بیست درصد از عمر حکومت رییس جمهور غنی گذشته و آواز شعار پُرشور و باطمینان «هیچ افغان از افغان دیگر برتر نیست» هنوز هم از خاطره گوش های مان نرفته است، دیده می شود که برخلاف نام این حکومت، همه چیز رنگ و بوی قومی می دهد. این قوم گرایی مفرط و سیاسی کردن مقوله قومیت هر چند ریشه بی به درازای تاریخ این کشور دارد، اما برای حکومتی که بانیان آن همه چپ و راست دم از ملی گرایی و عدم تبعیض می زنند، جای تأسف است.

هنوز چند صباحی از آغاز کار این حکومت نگذشته بود که تشکیلات تازه اداره امور و ریاست دفتر رییس جمهور در مطبوعات و جامعه مدنی سروصداهای بسیاری را برانگیخت. اعتراض های بسیار در رسانه ها و شبکه های مجازی مبنی بر جابه جایی های گسترده با معیار قومی در یک اداره ملی سبب شد که از همان آغاز کار، رشته شعارهای عدالت انگارانه رییس جمهور غنی پنبه شود. پس از این هم گام های متعدد دیگری برداشته شد که همه گواه بر قدم گذاشتن حکومت در جاده تنگ قوم گرایی بود. تکرارها و یک جانبه گرایی های رییس جمهور غنی به حدی بود که حتا جنرال دوستم، معاون اول ازبیک تبار او هم لب به گلایه گشود و از مشی رییس جمهور انتقاد کرد.

سخن ماندگار

اظهارات وزیر حج و اوقاف روایت گر چیست؟

وزیر حج و اوقاف در پیوند با تلاش ها برای بررسی قتل فرخنده، در مجلس نمایندگان سخنانی ایراد کرد و نیز در گفت وگو با تلویزیون طلوع سخنانی گفت که تأمل برانگیز است.

فیض محمد عثمانی وزیر ارشاد، حج و اوقاف، حادثه شاه دوشمشیره کابل را به عنوان نقطه عطف یاد کرد و گفت که فرخنده با مرگش، تاریخ را رقم زد و او از این حادثه تلخ درس های زیادی را آموخته است. به گفته وی، وزارت حج برای پی گیری حادثه قتل فرخنده کمیسیونی را نیز موظف کرده است. از سخنان درست و حسابی آقای وزیر، یکی هم این بود که در مساجد و زیارتگاه ها، عالمان واقعی را موظف می کند. این سخن او بازتاب دهنده واقیعت های تلخی است که امروز برخی منابر و مساجد کشور از آن رنج می برد. بررسی وضعیت مساجد و گماشتن عالمان راستین و خردمند دینی در آن، از مسوولیت های وزارت حج و اوقاف است که باید مورد توجه قرار گیرد.

وزیر حج ضمن ذکر این مطلب که به کسانی که مردم را برای سودجویی خود به قتل فرخنده شوراندند، عالم دین گفته نمی شوند، بیان داشت: «هم اکنون اجماع در مورد جمع آوری سودجویان به وجود آمده؛ تا خانواده ها را از چنگ آنان نجات دهیم.»

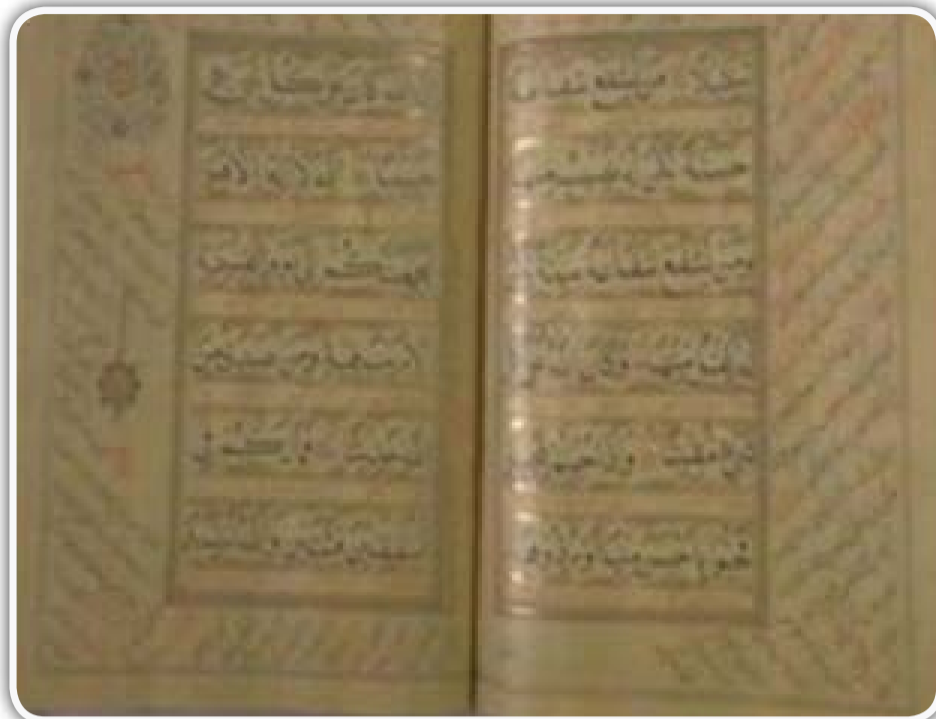
فعال کردن بخش ارشاد در وزارت حج و اوقاف، اگر روی دست گرفته شود، برگ مثبتی در کارنامه آقای عثمانی به شمار خواهد آمد. اما آقای وزیر صحبت هایی، هم در مجلس نمایندگان و هم در تلویزیون طلوع داشته است که باید روی آن مکتب کرد. این سخنان او که متأسفانه جلوه هایی از خشونت را با خود حمل می کرد، نشان داد که مقامات و مسوولان افغانستان نیز به سطح عوام، مستعد خشونت گرایی هستند و این، مایه های عقابیت و شعورمندی در کشور را صدمه می زند.

آقای وزیر در حالی که بسیار احساساتی به نظر می رسید، گفت که اگر او صلاحیت می داشت، همه آنانی که مجرم این قتل ثابت می شوند را در شاه دوشمشیره اعدام می کرد!

شکی نیست که رویداد قتل فرخنده، مردم افغانستان را شوکه کرده و همه درباره مسببان آن حساس شده اند. اما باید هوشیار بود که تمام افرادی که در رویداد به نحوی شریک بودند را نمی توان یک سان چوب زد. مسلماً همه آن چهل نفری که بازداشت شده اند، مستحق اعدام شناخته نمی شوند و نهادهای عدلی و قضایی کشور نیز بر این نکته واقف اند. اما وقتی وزیر در این باره چنین سخن می گوید، خود ناخواسته به خشونت توسل جسته است. این برخورد وزیر حج و اوقاف، نشان دهنده خشونت پنهان شده در ذهن و ضمیر مقامات دولتی است که به هر بهانه بی می تواند از عمق به سطح آمده خود را آشکار سازد.

در همین حال، وزیر حج و اوقاف باید بداند که مشکل با جمع کردن تعویذ نویسان و جادوگران خیابانی حل نمی شود و باید این وزارت برنامه های آگاهی بخشی را در زمینه های مختلف ارشادی و تبلیغی در همه سطوح جامعه روی دست گیرد. وزارت حج و اوقاف باید نسبت به نحوه جذب و استخدام عالمان دینی در مساجد، نهایت دقت را به خرج دهد تا آنانی که درک درست از دین اسلام ندارند، صلاحیت امامت و راهبری مردم را پیدا نکنند. وزارت حج و اوقاف باید آنانی را که در مساجد و منابر از آدرس دشمنان مردم افغانستان سخن می گویند و به ترور و انتحار جواز می دهند، شناسایی و به جای آن ها، عالمان راستین، با درک و خشونت پرهیز را بگمارد.

نسخه ۷۰۰ ساله قرآن در هند سرقت شد



به نقل از جام نیوز، نسخه‌ی ارزشمند از قرآن کریم با قدمت ۷۰۰ سال در ایالت راجستان هند سرقت شد.

به گزارش ایکننا به نقل از شبکه (NDTV)، جاییدو پراساد ۵۵ ساله که هندو مذهب است این قرآن را در سال ۲۰۱۱ از یک دوست هدیه گرفته بود.

به گفته وی، این نسخه ارزشمند توسط مردی که گاه با او همکاری تجاری داشت به سرقت رفت. پراساد در این باره گفت: هنگامی که مشغول صحبت با تلفن بودم آن مرد مرا با اسلحه تهدید کرد و بعد از گرفتن قرآن، با موتور از محل گریخت.

وی تاکید کرد: این نسخه قرآن یک اثر خاص بود که با آب طلا خطاطی شده و با یاقوت کبود تزیین شده بود.

این مرد هندو در ادامه افزود که قصد داشت این قرآن را به دختر خود هدیه دهد.

پولیس منطقه اعلام کرد: این نسخه به علت قدمت زیاد و سنگهای قیمتی به کار رفته در آن اثری منحصر به فرد محسوب می‌شود و به دلیل ارزش بالای آن سرقت شده است.

فلسطین چهارشنبه رسماً عضو دادگاه کیفری بین‌المللی می‌شود



وزیر خارجه فلسطین روز چهارشنبه به شهر لاهه در کشور هلند سفر می‌کند تا در مراسم عضویت فلسطین در دادگاه کیفری بین‌المللی شرکت کند.

به گزارش سایت شبکه اسکای نیوز عربی، یک شخصیت دیپلماتیک فلسطینی که نخواست نامش فاش شود، اظهار داشت که این مراسم در اول ماه آوریل در لاهه که دیوان کیفری بین‌المللی در آنجا قرار دارد، برگزار خواهد شد و در جریان این مراسم، فلسطین رسماً به عضویت این دادگاه در می‌آید. ریاض مالکی وزیر خارجه فلسطین در این مراسم شرکت می‌کند.

رهبران فلسطینی اواخر سال گذشته به رغم اعتراضات گسترده رژیم صهیونیستی، درخواست عضویت در دادگاه کیفری بین‌المللی را ارائه دادند.

فلسطین با عضویت در این دادگاه، خواستار تحقیق در مورد جنایت‌های ضد بشری دشمن صهیونیستی علیه ملت فلسطین در نوار غزه در جریان جنگ ۵۱ روزه و تحقیق در مورد عملیات شهرک سازی غیرقانونی این رژیم در اراضی اشغالی خواهد شد.

هواپیمای پاکستان بر فراز یمن



سختگیری سازمان هواپیمایی کشوری پاکستان از پرواز نخستین هواپیمای این کشور به سمت یمن برای خارج کردن اتباع این کشور خبر داد.

یک هواپیمای «بوئینگ ۷۴۷» از خطوط هوایی بین‌المللی پاکستان برای بازگرداندن پاکستانی‌های مقیم یمن به سمت این کشور پرواز کرد.

سختگیری سازمان هواپیمایی کشوری پاکستان اعلام کرد: یک هواپیمای «ایرباس ۳۲۰» دیگر نیز برای روند خروج پاکستانی‌های مقیم یمن بکار گرفته خواهد شد.

این در حالی است که نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان روز گذشته با صدور دستوری فوری اعلام کرده بود که هر چه زودتر اقداماتی برای خروج بیش از ۱۵۰۰ پاکستانی در «صنعا» انجام شود.

بر اساس بیانیه منتشر شده از محل اقامت نخست‌وزیر پاکستان، پاکستانی‌های مقیم صنعا بدلیل جنگ جاری در یمن باید از این کشور خارج شوند.

قابل ذکر است که بیش از ۱۵۰۰ پاکستانی در صنعا و همچنین به طور کلی حدود ۴ هزار پاکستانی در یمن بسر می‌برند. سفیر پاکستان در یمن گفته بود که سفارت پاکستان در صنعا در حال جنگ نیز به کار خود ادامه خواهد داد.

نخست‌وزیر پاکستان، روزهای گذشته در اجلاسی در سطوح عالی مقامات حکومتی و نظامی این کشور گفته بود که اگر امنیت عربستان مورد تهدید واقع شود، اسلام‌آباد از ریاض حمایت خواهد کرد.

این در حالی است که احزاب «تحریک انصاف»، «مردم پاکستان»، «عوامی ملی» و «وحدت مسلمین» ضمن اعلام مخالفت با هرگونه دخالت اسلام‌آباد در جنگ یمن به دولت این کشور هشدار داده‌اند که اسلام‌آباد نباید در عملیات مشترک آمریکا، عربستان و متحدین آن‌ها در یمن شرکت کند.

وزیر خارجه هند:

پاکستان از تروریست‌ها پشتیبانی می‌کند

وزیر امور خارجه هند در گفت‌وگو با خبرنگاران ضمن ستودن نقش این کشور در جنوب آسیا، پاکستان را متهم به پشتیبانی از تروریست‌ها کرد.

سوشما سوارج وزیر امور خارجه هند، در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: هند خواستار روابط حسنه و دوستانه با پاکستان است اما این کشور همواره از تروریست‌ها را دنبال می‌کند.

وی افزود: دولت هند نقش مهمی در جنوب آسیا دارد و این روند را ادامه خواهد داد.

به گزارش اکسپرس نیوز، سوارج اذعان کرد: دولت هند بدنبال تقویت ثبات مرزهایش است زیرا تهدیدات زیادی در منطقه وجود دارد.

وزیر امور خارجه هند اظهار داشت: پاکستان با وجود اقدامات از سوی هند در راستای بهبود روابط دو کشور، فعالیت علیه دهلی‌نو را در دستور کار خود قرار داده است و به همین دلیل از تروریست‌ها پشتیبانی می‌کند.

سوشما سوارج وزیر امور خارجه هند در حالی پاکستان را متهم به پشتیبانی تروریست‌ها در منطقه می‌کند که به نظر می‌رسد پس از تنش‌های یکساله، روابط دو کشور رو به بهبودی است و «سرتاج عزیز» مشاور امنیت ملی و امور بین‌الملل نخست‌وزیر پاکستان نیز در بیانیه‌ی روز گذشته اعلام کرده بود که دیدار «نارندرا مودی» نخست‌وزیر هند در ماه آینده میلادی از پاکستان به احتمال فراوان انجام خواهد شد.



پوتین:

اعراب مشکلاتشان را به طور مسالمت‌آمیز حل کنند



شرم‌الشیخ مصر آغاز شد. در این نشست درباره افزایش تنش‌ها در یمن و واکنش کشورهای منطقه به آن گفت‌وگو شد.

رئیس‌جمهور روسیه در پیامی خطاب به اجلاس سران کشورهای عربی که روز شنبه و روز یکشنبه در شرم‌الشیخ در حال برگزاری بود، اعلام کرد که این کشور در مسیر حل بحران‌های خاورمیانه از طریق راهکار صلح‌آمیز و بدون هرگونه دخالت خارجی در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در این پیام خود آورده است: ما از اقدامات کشورهای عربی برای تضمین آینده‌ای امن در منطقه حمایت می‌کنیم و از این کشورها می‌خواهیم تا چالش‌های کنونی را از طریق صلح‌آمیز و بدون دخالت‌های خارجی حل نمایند.

پوتین در ادامه پیام خود اعلام کرد: تروریسم و افراط‌گری در صدد از بین بردن امنیت، تحمیل رنج و بدبختی به صدها هزار تن از مردم بی‌گناه و از بین بردن میراث تاریخی و فرهنگی در منطقه است. وی در ادامه پیام خود آورده است: روسیه چنین جنایات توجیه‌ناپذیری را به شدت محکوم می‌کند. نشست سران کشورهای عربی روز شنبه در

نگهبانان مکتب‌ها در پاکستان آموزش نظامی می‌بینند



رسانه‌های پاکستانی گزارش می‌دهند که شماری از نگهبانان مکتب‌ها در پاکستان از سوی نیروهای امنیتی این کشور مهارت‌های نظامی می‌آموزند.

روزنامه تربیون اکسپرس گزارش می‌دهد که پولیس محلی، روز گذشته ۱۰۰۰ تن از نگهبانان مکتب‌ها را در منطقه سوات مهارت‌های نظامی و استفاده از جنگ‌افزار داده‌است.

دفتر آموزش و پرورش منطقه سوات گزارش داده‌است که ۱۸۰۰ تن از نگهبانان مکتب‌های دولتی در این منطقه وجود دارد و تمام‌شان این آموزش‌ها را برای مدت یک روز فرا می‌گیرند. سلیم مروت، یک افسرو پولیس در سوات کالجی سوات در جریان آموزش گفته‌است که تمام نگهبانان مکتب‌ها را با مهارت‌های

استفاده تاکتیکی از جنگ‌افزار مجهز نموده و مهارت‌های حمله را نیز به آنان می‌آموزند. وی افزوده‌است که در نخستین مرحله حدود ۶۰۰ تن از نگهبانان مکتب‌های دخترانه از سوی آنان آموزش نظامی دیده‌اند.

پیش از این نیز بگومگوهایی از تجهیز آموزگاران پاکستانی به اسلحه و فراگیری مهارت‌های استفاده از آن توسط آنان گزارش شده بود.

این روند پس از آن آغاز یافت که شماری از اعضای تحریک طالبان پاکستانی سال گذشته به یک مکتب در پشاور حمله کرده و حدود ۳۰۰ تن را که بیش‌ترین آن را دانش‌آموزان تشکیل می‌داد، کشته و زخمی کردند.

بخش دوم و پایانی



مراقب

خودت باش!

زمانی را برای رفتن به دامن طبیعت اختصاص دهیم. به موسیقی آرامش بخش گوش دهیم. با خود و دیگران تعامل مهربانانه داشته باشیم و زمان‌های خاصی برای صحبت کردن با همسر و فرزندان خود اختصاص دهیم. به کارهای مثبت خود فکر کرده و به خود افتخار کنیم. کتاب‌هایی را که دوست‌شان داریم، دوباره مطالعه کنیم. وقتی که لازم است، گریه کنیم. برای خندیدن چیزهایی را جست‌وجو کنیم؛ البته بدون این که به احساسات دیگران لطمه‌ی بزنیم. خشم و احساسات واقعی خود را به روشی سازنده ابراز کنیم یا آن‌ها را بنویسیم. به صنایع هنری برویم. در صورت بروز مشکل یا ناراحتی روحی روانی، به روان‌پزشک یا روان‌شناس مراجعه کنیم.

خودمراقبتی اجتماعی:

با دیگران به‌ویژه با افرادی که احساس خوبی در ما ایجاد می‌کنند و ما را به سوی زنده‌گی سالم سوق می‌دهند، معاشرت و مراوده داشته باشیم. در گروه‌های همسان محل زنده‌گی، کار یا تحصیل خود عضو شویم. در طول روز با اعضای خانواده یا با همکاران خود، گفت‌وگوی دوستانه داشته باشیم. وعده‌های غذایی را تا حد امکان با افراد خانواده یا در محیط کار با همکاران بخوریم. با افرادی که در زنده‌گی مان مهم هستند، ارتباط برقرار کنیم.

خودمراقبتی معنوی:

همان‌طور که تغذیه با مواد غذایی برای بدن ما ضروری است، پرورش روح‌مان نیز ضرورت دارد. خودمراقبتی معنوی به ما کمک می‌کند با خالق هستی آشنا شویم و معنای زنده‌گی را درک کنیم. تنها در صورتی که با خالق خود ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم تمام استعدادهای وجودی خود را شکوفا سازیم. هر روز، زمانی را برای عبادت و نیایش در نظر بگیریم. کارهای خیر و عام‌المنفعه انجام دهیم. به نیازمندان کمک کنیم. شکرگزار نعمت‌های الهی باشیم. متون و ادبیات مذهبی و معنوی مطالعه کنیم. در مراسم و مناسک دینی و مذهبی شرکت نماییم. آیات قرآن را تلاوت کنیم یا بشنویم. برای خودمراقبتی باید به نکات کلیدی آن توجه کرد. خود را با ایده‌های پرآب‌وتاب خسته نکنیم. بهتر است چیزهای کوچک و ساده را برای شروع کردن انتخاب کنیم؛ به عنوان مثال تصمیم بگیریم ورزش را به جای ۳۰ دقیقه با پنج دقیقه در هر روز شروع کنیم. به خودمان آسان بگیریم. اگر از برنامه خود عقب افتادیم، نباید خود را سرزنش کنیم، بلکه باید برگردیم و راهمان را ادامه دهیم. به مربی درون خود گوش کنیم، نه به منتقد درون خود؛ منتقد درون ما تلاش خواهد کرد ما را از هر تلاش جدیدی منصرف کند، در حالی که مربی درون‌مان همیشه ما را تشویق می‌کند. او آن بخشی از وجود ماست که می‌خواهد موفق باشیم.

«کمیابی»، «انتخاب»

و مشکل اصلی اقتصاد

احمد سیف

نخواهیم بود. به عبارت دیگر، در این نگرش، تعریف ما از مشکل اصلی اقتصاد بر مبنای مصرف شکل می‌گیرد و اگر این مسأله برای همه‌گان حل شود، به‌واقع، مشکل اقتصادی ما نیز رفع شده است. فعلاً به این مقوله در ادوار مختلف تاریخی نمی‌پردازیم ولی در همین نظام سرمایه‌داری، آیا هدف از سازمان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی در یک نظام بازارگرا، تنها برآوردن نیازهای مصرفی همه‌گان است یا اهداف دیگری نیز وجود دارد؟ اگر مشخص‌تر سخن گفته باشیم، برای طبقه سرمایه‌دار آنچه که اهمیت اساسی دارد - باز به گفته مدافعان این نظام - حداکثر کردن سود [مازاد] است. آن‌هم نه فقط به خاطر تأمین مالی مصرف سرمایه‌دار، بلکه به منظور انباشت سرمایه و گسترش تولید، برای این که در بازار رقابتی بازی را به حریف نبازد. به سخن دیگر، برخلاف نقطه آغاز ما، هدف فعالیت اقتصادی نه تولید به خاطر تولید، یا تولید ارزش مصرفی برای مصرف، بلکه تولید

برخلاف ادعایی که این اقتصاددانان (بازارگراها) دارند، این‌جا با ضعیف‌ترین حلقه استدلال آنان روبه‌رو هستیم. آنچه که آن را «خطای ترکیب» (Fallacy of Composition) می‌نامیم - یعنی آنچه را که به جزء مربوط می‌شود دربارهٔ کل هم کلیت بدهیم - در این‌جا حضور چشم‌گیری دارد. یعنی روشن نیست و روشن نمی‌شود که از انتخاب فردی چه‌گونه می‌توان به انتخاب جمعی نقب زد؟ به اقتصاددانان بازارگراست، فاقد سازوکار سرمایه‌داری، به‌ویژه در مفهومی که مد نظر انتخاب اصلح در سطح جامعه است. یعنی پرسشی که باقی می‌ماند این است که انتخاب در سطح جامعه چه‌گونه بهینه می‌شود؟

ارزش اضافی

است که می‌تواند و می‌باید برای جلوگیری از شکسته‌شدن سرمایه‌دار در نتیجه رقابت در بازار، انباشت شود. از این دیدگاه، سرمایه‌دار به عنوان یک طبقه - تا موقعی سرمایه‌دار باقی می‌ماند که نه فقط برای برآوردن نیازهای شخصی، بلکه به نیازهای سرمایه برای گسترش تولید، پاسخ مقتضی داده باشد. یعنی سرمایه‌دار در نقش خویش به عنوان مصرف‌کننده، سرمایه‌دار نیست؛ بلکه همین که نقش خویش را به عنوان عامل انباشت سرمایه ایفا کرد، مصرف می‌کند - بگیریم که مصرفش از متوسط مصرف در یک جامعه بیشتر هم باشد. در این‌جا

کم نیستند اقتصاددانانی که معتقدند عمده‌ترین مشکل و مسأله اقتصاد، «کمیابی» از سویی و «انتخاب» از سوی دیگر است. این دو مقوله به‌طور تنگاتنگی با هم مربوط اند و رابطه علیت نیز از کمیابی به انتخاب می‌رسد. یعنی اگر «کمیابی» وجود نمی‌داشت، «انتخابی» نیز ضروری نمی‌شد و به یک معنا، «مشکل اقتصادی» هم نداشتیم. علت اصلی کمیابی هم «نامحدود بودن» خواسته‌های بشر و محدودیت امکانات تولیدی است که به‌ناگزیر به «انتخاب» می‌رسد. این که دربارهٔ این «انتخاب‌ها» چه‌گونه تصمیم‌گیری می‌شود، سر از نظام‌های اقتصادی مختلف درمی‌آورد. در اقتصاد سرمایه‌داری، نیازها و انتخاب‌ها فردی، و کانال تصمیم‌گیری هم «نظام بازار» است.

همین‌جا به اشاره بگویم و بگذرم که همین که از «نظام بازار» سخن می‌گوییم که در آن «غذای مجانی» به کسی نمی‌دهند، به‌ناچار باید به عامل دیگری نیز توجه کنیم و آن این که آن «نیازی» که از طریق نظام بازار عمل می‌کند، مختصات ویژه‌ی دارد. یعنی در این‌جا داریم به‌واقع از «تقاضای موثر» سخن می‌گوییم که علاوه بر «نیاز فردی» یک بُعد پولی هم دارد. نظام بازار در ناب‌ترین شکل خویش، به نیاز آدم‌های بی‌پول پاسخ نمی‌دهد.

از «کمیابی» آغاز می‌کنیم. عمده‌ترین پی‌آمد «کمیابی»، اجباری شدن و ناگزیری «انتخاب» است. یعنی، باید «انتخاب» کنیم که چه تولید کنیم؟ چه‌گونه؟ به چه مقدار؟ و برای کی؟ همین تعریف ساده در بطن خویش، پیام دیگری هم دارد. یعنی اگر بتوان به مقدار نامحدود تولید کرد و اگر خواسته‌های انسانی در تمامیتش برآورده شوند، ما با این معضل اقتصادی روبه‌رو

مقاله مشترک سایت تحلیلی البرز و صفحه اقتصاد سیاسی انسان‌شناسی و فرهنگ



عبدالرشید فکرت بخشی

بخش چهارم

جست‌وجوی خیر مطلق و شر مطلق در این جهان عبث است. خیر و شر مطلق در این دنیا وجود ندارد. هر چیزی خیری و شری با خود دارد که اجتناب‌ناپذیر و طبیعی به نظر می‌رسد و سراسر زنده‌گی آدمی نیز بر پایه مصلحت و ترجیح خیر بر شر بنا شده است. در این میان، انسان مختار و آگاه، بیش از هر موجود دیگری رنج می‌کشد. آگاهی او بر دردمندی‌اش افزوده و او را به تنه‌گی و ناقارگی بی‌وقفه‌یی واداشته است که هرگز سکون و قراری نمی‌شناسد.

نوع دید ما به حوادث و شرور در عالم، بسیار مهم و تعیین‌کننده است. همین نوع دید است که فیلسوفی چون شوپنهاور و یا شاعر اندیشمندی همچون ابوالعلاء المعری را وامی‌دارد تا جهان را سراسر شر بینگارند، درحالی‌که عارف وارسته‌یی همچون محمود شبستری و شخصیت‌گران‌مایه‌یی همچون بناوتورا در همه جا جلال و رحمت خداوندی را جست‌وجو کنند.

این مسأله نشان می‌هد که نقش جهان‌بینی‌ها در باب شرور در عالم هستی به‌سزا و تعیین‌کننده است. از سویی هم، این‌که ما از کدام منظر و به کدام اعتبار به یک حادثه می‌نگریم، بسیار حایز اهمیت است. مثلاً: حادثه جان‌سوز و جانکاه بهمین در پنجشیر رویه‌های مختلفی دارد که می‌توان از زاویه‌های مختلفی به آن دید و احساس‌های گونه‌گونی را تجربه کرد. اگر به این حادثه به‌سان حادثه‌یی طبیعی دیده شود، بسیار طبیعی به نظر می‌رسد و احساس کمتری را برمی‌انگیزد؛ اما اگر به این حادثه از دوربین چشم‌های مادر و کودکی نگریده شود که توأمان در زیر آوارهای سهمگین سرد و سنگین برف‌کوچ گیر مانده‌اند و لحظات مردن‌شان را با آمدوشد نفس‌هایی حساب می‌گیرند که پیوسته دشوارتر می‌شود؛ تراژیدی عظیمی را برمی‌انگیزد و افتده همچون کوه را به تپش وامی‌دارد.

این تراژیدی را از چشم مادری باید دید که کودک ناآگاه و معصومش را در آغوش پرمهر خویش - با وجود آن‌که مردنش را در زیر برف‌کوچ قطعی می‌داند - مژده نجات می‌دهد و در همان لحظات نهایت دشوار، بیش از خودش به فرزندش دل‌بسته است. این درد را انسان زنده‌به‌گوری می‌داند که تجربه هراس از مرگ و امید به زنده‌گی از فرق تا قدمش را پوشانده است و تمام ایده‌آل‌ها، خاطره‌ها، آرزوها، عمل‌کردها و خلاصه، گذشته و آینده‌اش را در «آن‌های مرگ و زنده‌گی» اکنون‌اش مرور می‌کند؛ این درد را از پشت چشم‌های انسان گیرمانده در منجلابی باید دید که فیصدی نجاتش را زیر صفر می‌بیند و دشوار شدن گام به گام نفس‌های خودش را به‌صوب جزیره مرگ به‌وضوح می‌بیند.

این نوع نگاه به حادثه‌های طبیعی را می‌توان انسانی‌ترین نگاه انسان به حادثه‌های طبیعی نامید که در آن ما خودمان را در وضعیت کسی می‌بینیم که لحظات مردنش را می‌شمارد و علی‌رغم این‌که نمی‌خواهد بمیرد، چهره هیبت‌ناک مرگ را در چاراطراف خودش مجسم می‌بیند. مرگ قاعده‌یی ضروری، حتمی و کلی است که هیچ استثنایی بر نمی‌دارد، اما خبر یافتن پیش‌رس از مرگ برای کسی که جز به جاودانه‌گی سیراب نمی‌شود، جانکاه و تحمل‌ناپذیر است. با این وصف، می‌توان بیان‌نشده‌گی زمان مرگ را نعمت بزرگی دانست که ما همواره از آن غفلت ورزیده‌ایم. اگر همچون گیرمانده‌گان برف‌کوچ می‌دانستیم که مثلاً تا فردا می‌میریم، زنده‌گی چه جهنمی می‌شد! و چه آتشی همه‌های زنده‌گی ما را می‌سوخد؛ شاید همین است که مرگ را زمان مشخصی نیست اما ما این نعمت را همواره از یاد می‌بریم.

مرگ افزون بر ارزش معرفت‌شناختی آن، ارزش جامعه‌شناختی و غایت‌شناسانه بسیاری نیز دارد. انسان نهایت خودش را با مرگ به‌وضوح می‌بیند و سرنوشت مختومش را فراموش نمی‌کند. اگر انسان‌ها در دنیا جاودانه می‌بودند، آن‌گاه ممکن بود از مرگ استمداد جویند تا از پوسیده‌شدن و رهایی از ماندن نجات یابند. علامه سلجوقی در پاسخ به گیبیل شاعر نیمه‌فیلسوف فرانسه‌یی که گفته بود: چرا خداوند انسان را به‌گونه‌یی درست نکرد که گلوله به جسم او اثری نمی‌کرد، و یا قلب او را از آهن نساخت تا هرگز فرسوده و متوقف نمی‌شد؟ گفته است:

آری، یک شاعر نیم‌فیلسوف و از یک قوم پوره جنگی باید از گلوله بسیار بترسد، ورنه گلوله اگر از روی احصاییه نظر کنیم، نادرترین اسباب مرگ است نسبت به امراض گوناگون و تصادمات ترافیک زمینی و هوایی و هیجانات طبیعت و تسمم غذایی و غیر غذایی. پس چرا گیبیل در این مسایل از طبیعت شکوه نکرد؟

گیبیل نه شاعر است نه فیلسوف، زیرا او نه حیات و انسان و نه هم قلب و مشاعر او را شناخته است؛ و شاعر باید قلب را بشناسد. من این پاره‌گوشتی که به طرف چپ سینه خود دارم، هفتاد سال است متواتر بدون وقفه و بدون راحت و بدون خواب در هر دقیقه ۷۲ الی ۹۲ و گاهی هم الی ۱۰۴ بار تپیده و به‌شدت خود را از ورید گرفته و شریان داده و در بدن تقسیم کرده است. و اگر این قلب را از پایدارترین فلزات این جهان و مثلاً پلاتینم می‌ساختند هم این قدرها دوام نمی‌کرد، زیرا پلاتینم می‌سایید و بدل مایتحلل نداشت و خود را نمی‌توانست ترمیم کند، طوری که نیز نمی‌توانست سپر گلوله شود.

با این توضیح روشن می‌شود که تصور نبود مرگ در زنده‌گی دشوار و سخیف است. کسانی‌که آرزوی جاودانه‌گی را در سر پروراندند، عمدتاً پهلوهای دیگر این آرزوآندیشی را نسنجیده‌اند و این‌که تحقق چنین آرمانی چه آرمان‌های دیگری را از انسان می‌گیرد و ما را به کجاها پرت خواهد کرد؛ را نخوانده‌اند.

را در این عالم بنمایاند.

۳. شرور دسته‌بندی‌های زیاد دارد و در یک دسته‌بندی کلی، شرور را به شرور طبیعی و اخلاقی تقسیم کرده‌اند. شرور اخلاقی ناشی از سوء اختیار بشر است و بشر با کاربست غیرانسانی و نابه‌جای اختیار خویش، آسیب‌هایی به انسان و جهان وارد می‌آورد که بسی عظیم‌تر و حجیم‌تر از حوادث ناگوار طبیعی است. جنگ‌های انسان‌ها در طول تاریخ، از آن‌جمله جنگ‌های صلیبی، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ تریاک و سایر کشمکش‌های خونین و فاجعه‌بار بشر را که به دستان خود انسان رقم خورده است، باید شر اخلاقی در نظر آورد. این نوع شر، ابعاد گسترده‌یی داشته و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر بشریت وارد آورده است. در این میان، شرور طبیعی نیز کم‌هزینه و بی‌پیشینه نیست. بزرگ‌ترین زلزله در چین حدود بیست و پنج ملیون نفر را به کام مرگ برد؛ حادثه سونامی در همین چند سال پیش، بیش از دوصدهزار نفر تلفات در پی داشت، فوران آتش‌فشان‌ها در جاپان

آفریده است که در آن انواع و اقسام شرور وجود دارد؟ آیا نمی‌شد خداوند جهانی می‌آفرید که شری در آن نمی‌بود، جهانی که انسان می‌توانست مختارانه و آگاهانه خیر را برمی‌گزید؟؛ آلوین پلانیتینجا در پاسخ به پرسش فوق به تناقض میان اختیار انسان و نبود شرور در عالم تکیه کرده است. از دیدگاه وی، خداوند انسان را موجودی مختار آفریده است که لازمه آن انجام‌یافتن خیر و شر به دستان انسان است. این‌که شروری از انسان سر می‌زند، به‌دلیل اختیارمندی انسان است و بنا بر همین اختیار است که شرور اخلاقی توجیه می‌پذیرد. بنابراین، ممکن نیست انسان مختار آفریده شده باشد اما نتواند عمل شری را انجام دهد؛ از همین‌جاست که حضور شر در عالم با اختیار انسان توجیه می‌شود و اثبات مختار بودن انسان، ایده عدم وجود شر را نفی می‌کند.

۷. از سویی هم، شر دارای ارزشی معرفت‌شناختی است. نبود شر باعث می‌شود تا عمل خیر به‌درستی درک نشود. این‌همه سروصداها در مورد

رویکردی کلامی

به مسأله شر در هستی



خلاصه بحث:

مباحث فوق را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. این‌که شر امری عدمی است یا وجودی؟ آیا شر امری مطلق است و یا نسبی؟ مگر می‌شود در حضور این‌همه شرور طبیعی و اخلاقی از عدالت الهی سخن گفت؟ در کشاکش خیر و شر، غلبه با کدام یکی است؟ شرور گزاف چیستند؟ مسأله منطقی شر، و شر به منزله قرینه به چه معناست؟ این و پرسش‌هایی از این دست را در نظر نداریم، بلکه در این نوشتار، مسایلی هم‌چون وقوع شرور و تبیین‌های طبیعی و متافیزیکی آن، رابطه شر و اختیار بشر، تفسیرهای دینی وقایع و تراژیدی‌های انسانی مورد بحث است. امیدوارم با این کار، راه و روزنه متفاوت‌تری گشوده شود و اذهان بیشتر در روشنایی قرار گیرند.
۲. به هر روی، وجود شر در عالم همواره یک مسأله بوده است که اندیشه‌های بسیاری در مسیر توجیه آن راه افتاده است. وجود شر را در جهان «پناهگاه الحاد» نامیده‌اند و گاهی هم، گزاره «شر وجود دارد» با گزاره «خداوند وجود دارد» مناقض خوانده شده است. اما شرور در عالم پیوسته با الحاد همراه نبوده و در مقاطعی به خداشناسی نیز انجامیده است. فقط ذهن‌های عمیق و با عدسیه‌های بزرگ می‌تواند حکمت‌های وجودی شر را دریابد و حتمیت وجود آن

۳. سایر نقاط دنیا تلفات سهمگینی بر بشریت تحمیل کرده است که گاه فراتر از تصور انسان بوده است.
۴. انسان همواره کوشیده است خود را از شر طبیعت و شر انسان مصون بدارد و نگذارد شرور طبیعی و اخلاقی بر وی چیره شود و انسان را در کام خودش فرو برد. به‌صورت کلی، علوم انسانی را باید تلاشی در راستای حداقل کردن شرور اخلاقی، و علوم طبیعی و حیاتی را باید سعی در راه زوال و یا کوتاه کردن آسیب‌های برخاسته از شرور طبیعی دانست.
۵. ابوالحسن اشعری با طرح مسأله خلق افعال و کسب آن، می‌خواست در میانه جبر و اختیار حرکت کند و با عنایت به حضور مشیت و اراده الهی، سهم انسان را نیز در عمل‌کردهایش نادیده نگیرد. طرح مسأله کسب را باید تلاش میمون و پربرکتی در راستای حرکت در میانه جبر و اختیار به‌حساب آورد که توسط شیخ اشعری انجام یافت؛ اما در این و اواخر، با پرسش‌هایی مواجه شده است که خردکننده و بنیادبرانداز است. اشاعره چنان پنداشته‌اند که کسب غیر از فعل است، درحالی‌که خود کسب نیز فعل است و افعال چنان‌که اشاعره مدعی‌اند، مخلوق خداوند است و نمی‌تواند غیر از آن باشد.
۶. اگر شرور را آفریده خداوند بدانیم، پرسش این است که چه‌گونه خدای رؤف و مهربان دنیایی

۴. شر در عالم است. به عبارتی دیگر، اگر همه جا خیر می‌بود، خیر وجود نمی‌داشت و مرزی میان خیر و شر به‌وجود نمی‌آمد. وجود شرور در عالم باعث شده است تا مسأله خیر و شر این‌همه بالا گیرد و هر دو هم خیر و هم شر - معنا و درک‌پذیر شوند.
۸. دستاوردهای علمی جدید نشان می‌دهد که رخدادهای طبیعی را می‌توان متکی بر روش‌های علمی توضیح داد و نیازی به علت‌های متافیزیکی در توجیه وقایع طبیعی وجود ندارد. به تعبیر دیگر، وقتی علت‌های طبیعی می‌توانند وقایع طبیعی را توضیح و ریشه‌یابی کنند، چه نیازی به علت‌های متافیزیکی در توجیه رویدادهای طبیعی وجود دارد؟ آیا علت‌های متافیزیکی در طول علت‌های طبیعی قرار دارند یا در عرض آن‌ها؟ اگر علت‌های طبیعی و متافیزیکی در طول هم قرار داشته باشند، پس تعارضی نباید در میان باشد؛ درحالی‌که می‌توان مصادیقی را نشان داد که علت طبیعی و متافیزیکی رویاروی هم‌دیگر ایستاده‌اند، در این صورت کدام‌یک را باید ترجیح داد؟ این و پرسش‌هایی از این دست را علم جدید فراوری دین‌داران می‌نهد تا پاسخی معقول و پذیرفتنی به‌دست دهند.

ریاست اجرایی:

شکریه بارکزی مورد قبول نیست

بارکزی را در دقیقه ۹۰ وارد فهرست ساختند

ناجیه نوری

سنگنوی ریاست اجرایی می‌گوید که گماشتن شکریه بارکزی در کمیسیون اصلاح انتخاباتی بدون مشوره با داکتر عبدالله صورت گرفته و از طرف آنان پذیرفتنی نیست.

آصف آشنا معاون سنگنوی ریاست اجرایی روز یکشنبه گفت که بر اساس توافقنامه سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی، درباره انتخاب رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی رییس‌جمهور باید با رییس اجرایی، مذاکره می‌کرد.

یک منبع دیگر به روزنامه ماندگار گفت که به زودی داکتر عبدالله در این مورد با اشرف غنی صحبت می‌کند و شخص دیگری به این پست گماشته خواهد شد.

ریاست جمهوری اخیراً فهرست اعضای کمیسیون اصلاح انتخاباتی را اعلام کرد.

شکریه بارکزی به حیث رییس، صدیق الله توحیدی به حیث معاون و شاه سلطان عاکفی و وزمه فروغ به عنوان منشی و علی امیری، عبدالقدیر کریاب، بشیر فاروق، محمد امین احمدی، فیض الله ذکی، کاوون کاکر، صبرینا نایب، گل احمد مددزی، عزیزالله رفیعی، عبدالمجید غنی زاده، تادامچی یاموتو، نماینده سازمان ملل به عنوان اعضای این کمیسیون تعیین شده اند.

سید آقا فاضل سانچارکی مشاور امور فرهنگی ریاست اجرایی به روزنامه ماندگار گفته که معرفی شکریه بارکزی به این سمت در دقیقه ۹۰ صورت گرفته؛

دقیقاً زمانی که رهبران دولت وحدت ملی به امریکا می‌رفتند.

مشاور امور فرهنگی ریاست اجرایی می‌گوید پیش از آن، در لیستی که به عنوان اعضای کمیسیون اصلاح انتخاباتی از ارگ به ریاست اجرایی فرستاده شده بود، نام شکریه بارکزی وجود نداشت.

سانچارکی تأکید کرد: زمانی که رهبران دولت وحدت ملی عازم سفر شدند، لیست نهایی اعضای کمیسیون اصلاح انتخاباتی اعلام شد و ما تازه متوجه شدیم که بانو بارکزی به عنوان رییس این کمیسیون برگزیده شده.

شکریه بارکزی یکی از حامیان تیم تحول و تداوم بود که در مبارزات انتخاباتی محمد اشرف غنی را همراهی می‌کرد و متهم به تقلب به نفع تیم تحول و تداوم نیز است.

کلیپ‌های نشر شده شکریه بارکزی در فیسبوک نشان می‌دهد که او در روز انتخابات مردم را به تقلب به نفع دکتر غنی تشویق می‌کند و به مسولان یک مرکز رای دهی می‌گوید که اجازه دهید هر که هر قدر کارتی که دارد استفاده کند و رای بدهد.

مشاور فرهنگی ریاست اجرایی می‌گوید: ما بسیار تلاش کردیم تا افرادی در این کمیسیون گماشته شوند که بی‌طرف بوده و با قوانین انتخاباتی آشنایی داشته باشند.

سانچارکی افراد معرفی شده از سوی ریاست اجرایی را شخصیت‌های مسلکی دانسته افزود: افراد معرفی



توافق تاجکستان در ساخت راه آهن در ولایت کندز



کشور تاجکستان در ساخت راه آهن توافق نموده و نیز در سال ۱۳۹۴، ۱۵ پروژه بزرگ در نقاط مختلف ولایت کندز تطبیق می‌گردد. محمد عمر صافی نکات فوق را در جریان نخستین جلسه انکشافی سال ۱۳۹۴ که در مقام ولایت کندز برگزار گردیده بود، بیان کرد. در جلسه انکشافی سال ۱۳۹۴ که در تالار مقام ولایت کندز تحت ریاست محمد عمر صافی والی این ولایت برگزار گردیده بود، مسولین ادارات دولتی، مسولین نهاد ها مؤسسات کمک کننده، فعالان و نهاد های جامعه مدنی و نمایندگان رسانه‌ها حضور داشتند.

آقای صافی در جریان سخنرانی خویش از دست‌آورد های سفر خویش به کشور تاجکستان یاد آوری نمود و این سفر را برای تطبیق پروژه های زیربنایی در این ولایت مؤثر خوانده و از برگزاری یک جلسه بزرگ به اشتراک مقامات تاجکستانی در ولایت کندز خبر داد و تأکید نمود که در این جلسه مسایل مهم اقتصادی برای این ولایت مورد بحث دو طرف قرار خواهد گرفت. آقای صافی سال ۱۳۹۴ را سال پردستاورد برای ولایت کندز توصیف نمود و از تطبیق پروژه های بزرگ زیربنایی در سطح ولایت کندز خبر داد.

حضور داعش در افغانستان غیر...

است: حضور داعش در افغانستان آوازه‌ی بیش نیست و چنین موردی حقیقت ندارد.

کرزی گفت: تاکنون شواهدی از حضور فیزیکی داعش در افغانستان مشاهده نشده است و حضور این گروه تروریستی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد.

رییس‌جمهوری سابق افغانستان در مورد شایعات حضور گروه تروریستی داعش در برخی از نقاط افغانستان گفت: برخی از افراد سابق طالبان افغانستان

پرچم سفید را به پرچم سیاه تبدیل می‌کنند. این افراد همان کسانی هستند که در گذشته به عنوان طالب می‌جنگیدند. اگرچه این تغییر نیز نمی‌تواند به تنهایی صورت بپذیرد و نیازمند فرد، گروه یا کشوری به عنوان حامی می‌باشد.

حامد کرزی در مورد نقش ایران در مبارزه با این گروه تروریستی و حامیان و عوامل پشتیبان این گروه افزود: بدون شک ایران نمی‌تواند از این گروه پشتیبانی کند، زیرا این کشور در حال جنگ با این گروه تروریستی می‌باشد.

با این حال حکومت وحدت ملی از حضور گروه تروریستی داعش در کشور چندین مرتبه اظهار نگرانی کرده و خواستار مبارزه با این گروه شده است.

تاکنون اخبار تأیید شده‌ی از حضور گروه تروریستی داعش در افغانستان منتشر نشده است.

پیش از این فردی به نام ملا عبدالرئوف خادم با نام رهبر گروه تروریستی داعش در افغانستان فعالیت خود را آغاز کرد که در همان ابتدای راه با مخالفت شدید گروه طالبان افغانستان روبرو گردید و پس از مدتی نیز در عملیاتی در جنوب این کشور کشته شد.

شده از سوی ما افراد بی‌طرف و آشنا با مسایل انتخابات اند و امیدوار هستیم اشخاص معرفی شده از سوی رییس‌جمهور نیز مسلکی بوده و با قوانین انتخاباتی آشنا باشند.

او در خصوص این‌که چرا از نهادهای ناظر بر انتخابات کسی به این کمیسیون معرفی نشده گفت: بدون شک ما از مشوره‌های آنان استفاده خواهیم کرد و عدم حضور آنان به هیچ عنوان به معنی نادیده گرفتن نظریات آنان نخواهد بود.

در این حال، شبکه جامعه مدنی برای انتخابات انتقاد دارد که در گزینش اعضای کمیسیون اصلاحات انتخاباتی به معیار، تخصص، و تجربه در بخش انتخابات توجه لازم صورت نگرفته است.

جانداد سپین غر رییس این شبکه همچنان گفت، اگر اختلافات میان دو تیم سیاسی روی ترکیب کمیسیون اصلاحات انتخاباتی هر چه زودتر برطرف نگردد، این روند با بن بست روبرو خواهد شد.

او گفت: «با تاسف که می‌بینیم از آغاز کمیسیون اختلاف جدی میان دو تیم سیاسی وجود دارد، در رابطه به ترکیب، هیأت رهبری و... این مساله نگرانی را به وجود می‌آورد که در مدت باقی مانده، زمانی که بالای بخش‌های مختلف از اصلاحات بحث‌ها صورت می‌گیرد، اختلاف دیده‌گاه دو تیم شاید سبب شود که این روند به بن بست برود.»

ایجاد کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، یکی از ماده‌های مهم توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی بین داکتر عبدالله و محمد اشرف غنی را تشکیل می‌داد؛ کمیسیون که باید پس از نخستین روزهای آغازین حکومت وحدت ملی تشکیل می‌شد، حالا پس از گذشت نزدیک به شش ماه از عمر این حکومت، این کمیسیون به دستور رییس‌جمهور ایجاد شده است.

گفته شده که کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی موظف است تا براساس لایحه کاری که در فرمان تشکیل این کمیسیون آمده، فعالیت کند و تشکیل این کمیسیون همچنین یکی از خواسته‌های اصلی متحدان بین‌المللی افغانستان نیز است.

این کمیسیون یک روز پیش از سفر رییس‌جمهور و رییس اجرایی به واشنگتن در حالی تشکیل شد که بر اساس قانون اساسی افغانستان، انتخابات پارلمانی پیش‌رو باید دست کم تا یک‌ماه دیگر برگزار شود.

تبدیل دانشجویان از ولایات به کابل و شهرهای بزرگ، مشکلات بزرگی را خلق کرده است.

آقای بابری گفت دانشگاه‌ها در ولایات دور افتاده و ناامن خالی شده اند در حالی که هیچ ظرفیتی برای جذب دانشجویان در کابل وجود ندارد: «مشکل این است که در چهار دانشگاه بلخ، ننگرهار، هرات و کابل جای نیست. صنف‌ها پر شده و جای برای ایستادن نیست. اما در پهلوی آن چه شده، قندهار خالی شده، پکتیای ما خالی شده و استادان آن‌ها می‌گویند استعفا می‌دهیم.»

مقام‌ها در وزارت تحصیلات عالی می‌گویند به منظور بهبود وضعیت تحصیلات عالی باید بودجه کافی برای ساختن دانشگاه‌ها اختصاص داده شود. از سوی دیگر، در نتیجه سه دهه جنگ، بیشتر کادرهای علمی از افغانستان فرار کرده و در کشورهای دیگر پناه برده اند.

پیشین اصرار دارد که نبرد با هراس افگنی با حضور سربازان بیش‌تر و یا دیگر گزینه‌های نظامی میسر نیست.

به باور او، سیاست‌ها باید تغییر کند. وی در زمان حکومت بارها تأکید داشت که پاکستان در قبال افغانستان صادق نیست.

فرزندان وطن حق دارند تا تحصیلات عالی داشته باشند. دولت باید مکلفیت‌های خود را ادا کند.»

در حال حاضر رشته‌های بسیار اندکی در دانشگاه کابل در مقطع ماستری تدریس می‌کنند. تنها شانس که برای دانشجویان افغان برای ادامه تحصیلات میسر است، دریافت بورسیه‌های تحصیلی است و این بورسیه‌ها نیز بسیار محدود اند.

دانشگاه‌های خالی این روزها هزاران تن از دانشجویان در دروازه‌های وزارت تحصیلات عالی سرگردان هستند. بیشتر آن‌ها کسانی اند که در ولایت‌های ناامن کامیاب شده اند ولی حالا نمی‌خواهند برای تحصیل به ولایاتی بروند که جان آن‌ها در خطر است.

دانشجویان دختر مشکلات بیشتری دارند. ادامه تحصیل برای آن‌ها در ولایات دور افتاده بسیار دشوار است. اما وزارت تحصیلات عالی می‌گوید

مطمین شود. به باور فیلدمن، علاقه شدیدی برای انجام گفت‌وگوهای سیاسی برای آوردن صلح وجود دارد. اما به باور برخی آگاهان امور، پاکستان هیچ گاه نمی‌خواهد در آوردن صلح در افغانستان صادق باشد. این در حالی است که حامد کرزی، رییس‌جمهور

راه نیافتن صد هزار تن به...

کدرهای علمی و تحصیلی با مشکلات زیادی روبرو است. سالانه هزاران افغان برای تداوی به بیرون از افغانستان برای تداوی می‌روند. حکومت معاش‌های بسیار گزافی برای انجمنیان خارجی می‌دهد و به دلیل نبود افراد متخصص، وزارت خانه‌ها مجبورند مشاوران خارجی استخدام کنند.

مقام‌های وزارت تحصیلات عالی می‌گویند تعداد محدودی از دانشجویان که برای به دست آوردن سند ماستری و دکترا به کشورهای خارجی رفته اند، نمی‌توانند درد افغانستان را دوا کنند.

آقای بابری گفت نیاز به افراد متخصص ایجاب می‌کند که دولت بودجه کافی برای رشد تحصیلات عالی اختصاص دهد: «من فکر می‌کنم اگر تحصیلات عالی جور نشود، افغانستان قطعاً جور نمی‌شود. ۲۰، ۵۰ یا هزار نفری که نمی‌از آن‌ها از خارج نمی‌آیند.

خوش‌بینی امریکا از همکاری...

این زمان صورت می‌گیرد و پاکستان اکنون می‌داند که ثبات دوام دار در مرزهای این کشور، به نفع خودش است.»

او افزوده است: «پاکستان نقش خود را به خوبی بازی می‌کند تا از به میان آمدن راه حل مسالمت آمیز صلح

آیا مشکل معرفت دینیه جامعه

به تعویذ نویسان و مجاوران زیارتها برمی گردد؟

محمد اکرام اندیشمند

می گیرند؟

پاسخ به این پرسشها بسیار روشن است: فالبینها و مجاورین قبر و زیارت، مرجع معرفت دینی نیستند. نه جامعه فهم و معرفت دینی را از آنها می گیرد و نه با برجیدن بساط آنها می توان تحول مثبت در معرفت دینی مردم و رفتار ناشی از این معرفت ایجاد کرد. مرجع و منبع این فهم و معرفت از دین، عالمان دینی اند که از این آدرس در منابر مساجد برای خلق الله موعظه می کنند، از دین و احکام دین می گویند و دین را به مردم تفهیم و معرفی می دارند. آیا عالمان کرام اسلام در جامعه متدین افغانستان آنچنان فهم و معرفتی از دین ترسیم و آرایه خواهند کرد که دیگر مردم فرخنده بی را نکشند و به جای شریعت و قانون تصمیم نگیرند؟

عالمان دینی کشور ما چه گونه می توانند از یک سو فهم و معرفت یکسان دینی برای جامعه آرایه کنند و از سوی دیگر این معرفت بتواند افکار و رفتار فردی و اجتماعی مردم را در مسیر خیر و نیکویی متحول سازد؟ این در حالی است که قرائت و دیدگاه عالمان دینی و یا فهم و معرفتی که آنها از مسایل مختلف آرایه می کنند، متفاوت و حتا گاهی متعارض است. اما آنچه که می تواند این ناهمسانیها و یا معضلات برآمده از این ناهمسانی را در جهت فهم و معرفت دینی، موثر و بهتر بسازد و اثرات بسیار مثبت در افکار و رفتار عمومی ایجاد کند، عنایت و نقش دولت افغانستان و نهادهای مربوط دولت به این مورد است.

اظهارات آقای عثمانی وزیر حج و اوقاف پس از فاجعه قتل فرخنده اگر در یک برنامه عملی تدوین و تنظیم تعویذ نویسی، فال بینی، مجاورت زیارتها و قبور؛ زائیده جهل، خرافات باوری، خرافات پذیری و مهم تر از آن، زاده فقر و اجبار ناشی از آن است. اگر تعویذ نویسی و مجاورت زیارت شاه دوشمشیره علیه فرخنده دست به دسیسه زد و با اتهام سوختاندن قرآن کریم، مردم را به قتل او وسوسه و تحریک کرد، به فقر اقتصادی و جهل او از اسلام برمی گشت. این که آیا او تا این حد از فهم و معرفت دینی ناآگاه و جاهل بود، نمی توان به قطعیت سخن گفت، اما می توان گفت که ترس و نگرانی او از فرخنده که موجب کساد بازار تعویذ نویسی و از دست رفتن پولهای این بازار می شد، وی را به انجام این دسیسه سوق داد.

پرسش اساسی و اصلی در این حادثه به رفتار و عمل کرد دهها نفری برمی گردد که همچون حیوانات درنده به جان فرخنده افتدند و بدون هیچ پسران و درک صحیح از ماجرا و بدون هیچ میجوز اخلاقی، انسانی، شرعی و قانونی، فرخنده را ستم کش کردند و سپس پیکرش را آتش زدند.

آیا رفتار و کردار این آدمها از اندیشه و رفتار تعویذ نویسان و مجاوران زیارت و قبور ریشه و سرچشمه می گرفت؟

آیا با برجیدن بساط تعویذ نویسان، فال بینان و مجاوران قبرها و زیارتها، می توان معرفت و عمل دینی جامعه را اصلاح کرد و مانع رفتار و اعمال مشابهی که بر فرخنده رفت، شد؟

آیا مردم در جامعه افغانستان، معرفت و فتوای دینی خود را از تعویذ نویسان، فال بینان و مجاوران قبرها



است اما مشروط بر آنکه فهم و معرفت از این کتاب، فهم و معرفتی در مسیر ساختن انسانها باشد، نه در جهت سوزاندن آنها. به قول مولانا جلال الدین بلخی رومی:

زانکه از قرآن بسی گمراه شدند
زین رسن قومی درون چه شدند
مر رسن را نیست جرمی ای عنود
چون تو را سودای سر بالا نبود

شود، می تواند آغازی درست در این جهت باشد. او از برنامههایی سخن گفت که برای مساجد در جهت موعظه و تبلیغ دین مد نظر دارد.

وزیر حج و اوقاف، قرآن را کتاب انسان سازی خواند، نه انسان سوزی. آیا وزیر حج و اوقاف می تواند فهم و معرفت آرایه شده از قرآن و اسلام را در مساجد، فهم و معرفتی در جهت انسان سازی بسازد؟ آری! این درست است که قرآن کریم، کتاب انسان سازی

گام جدی بردارد تا اعتماد مردم را به پولیس و نهادهای مجری قانون برگرداند.

۸- شورای علما در این حادثه که می بایست با سرعت عمل می کرد، نقش و مسوولیت خود را به عنوان نهاد تأثیرگذار در مسایل مهم اجتماعی و دینی انجام می داد، دیر هنگام اعلام موضع کرد. مساجد که می بایست به عنوان مراکز معنویت و خردمندی و مدارا و اخلاق باشد، به مراکز تعصب و دگم اندیشی و عصبیت تبدیل شده است. علمای دینی می بایست بیشتر مردم را به قانون مندی و تأمین امنیت تشویق کنند و دولت باید در این زمینه مسوولیت پذیر و پاسخگو باشد.

۹- به نظر می رسد این حادثه بازار برخی از سیاست بازان تجارت پیشه را رونق بخشیده و برخی از جریانهای ضد دینی و ضد تمدنی را وارد بازار ساخته است. قَبَسْرَ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

اعلامیه



و هم چنان آشکار شد که دولت از ظرفیت مدیریت و اقتدار کامل در جهت تطبیق قانون و کنترل بحرانهای آتی برخوردار نیست. مسوولین سعی نمایند در ایجاد اعتماد و باور مردم گامهای اساسی بردارند.

۶- دولت مسوولیت دارد تا در نظام آموزشی و رسانه های رسمی بیشتر با استفاده از متون فرهنگی و تمدنی در جهت تقویت دانش عمومی با در نظر داشت حق آزادی انتخاب و مدارا و تساهل و تسامح، گامهای اساسی بردارد. تأثیر و تبعات جانبی این حادثه که در رسانه های جهانی هم منعکس گردیده است، تصویر نامطلوب از جامعه و فرهنگ ما را به نمایش می گذارد.

۷- ضعف نیروهای دولتی و عدم فهم پولیس از قانون و سردرگمی مدیریت پولیس، اعتماد عمومی را از نهادهای امنیتی سلب می کند. دولت در رفع این نقص،

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

ای برادر تو همان اندیشه ای
باقی تو استخوان و ریشه ای

عصر پنجشنبه گذشته، فاجعه ای عظیم و هولناک کابل را تکان داد، افول اخلاق و انسانیت را به نمایش گذاشت و سطح معرفت عمومی و معنوی را در پایتخت کشور زیر سؤال برد!

شهادت بانو فرخنده، افکار عمومی را به شدت تکان داد و علی الخصوص بعد از اثبات بی گناهی او، جو احساسات مثبت نسبت به فرخنده را برانگیخت! این حادثه از عمق معرفت معیوب و باور جاهلانه و قشری شماری از مردم پرده برداشت و ضریب منفی امنیت و آسیب پذیری جامعه را به نمایش گذاشت. در این میان، اظهار نظر شتابزده و غیرمسئولانه برخی از عالمان دینی و خطیبان معروف مساجد جامع پایتخت، به شدت تکان دهنده و هولناک تر از فاجعه شاه دوشمشیره بود. در پی اظهارات ایشان، برخی از گروه های ضد دینی که در پی فرصت بودند، به جای این که نظرات فردی را مورد نقد قرار دهند، حمله به دین اسلام را شروع کردند و در واقع عقده های فروخته خود را باز نمودند. ما به عنوان شهروندان کشور، نگرانی خود را به مردم و مسوولین دولت وحدت ملی افغانستان به شرح ذیل اعلام می داریم:

۱- علمای ما باید با حکمت و بصیرتی که در قرآن از آن سخن می رود، اظهار نظر کنند و جوانب تبعات اجتماعی و سیاسی صحبت های خود را متوجه باشند تا زمینه را برای سوء استفاده حلقه های فرصت طلب سودجو و گروه های معارض با دین فراهم نسازند.

۲- معلوم است که احزاب و نهادهای دولتی در جهت فربه شدن فرهنگ عمومی گام های اساسی برنداشته اند. هم چنان این حادثه نشان داد که نهادهای موجود جامعه مدنی در افغانستان با توجه به اخذ دهها میلیون دالر از مجامع و منابع بین المللی نتوانستند در جهت ارتقای سطح فرهنگ و دانش عمومی گام های اساسی و تأثیرگذار بردارند. ما از تمام جوانان مسلمان و تحصیل یافته کشور می خواهیم با احساس مسوولیت به عنوان میراث داران تمدن و فرهنگ دینی و انسانی و

- عزیزالله آریافر
- خواجه بشیر احمد انصاری
- انجنیر عبدالرحیم احمد پروانی
- عبدالجبار آریایی
- محمد اکرام اندیشمند
- عزیز احمد بارز
- عبدالحی خراسانی
- احمد بهار چوپان
- داکتر ذبیح الله فطرت
- انجنیر توریالی غیانی
- عبدالقیوم ملکزاد
- عبدالشکور واقف حکیمی
- رحمت الله بیگانه
- محمد عارف منصور
- داکتر زلمی نشاط
- سید ذبیح الله مهدیار
- نسرین گروس
- محبوب الرحمن رحیمی
- سید عبدالله فرامرز
- عبدالحسیب صاحبی
- ایوب عظیمی
- محمد اقبال قاری زاده
- محمد ظهیر

آیا نظام انتخاباتی اصلاح می‌شود؟

احمد عمران



تأکید بر اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان در حالی صورت می‌گیرد که به فرمان رییس‌جمهوری، کمیسیونی در این مورد توظیف شده است. بر اساس برخی شنیده‌ها، کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی تا هنوز موفق نشده که جلسات خود را برگزار کند. برخی از ناظران به این باور اند که اعضای معرفی شده از سوی ریاست اجرایی از حضور در نشست‌های کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی اجتناب ورزیده‌اند. بر اساس این شنیده‌ها، برخی‌ها با ترکیب و ریاست کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی مشکل دارند و به این باور اند که در موجودیت کمیسیون فعلی، اصلاح نظام انتخاباتی به گونه‌ی که مردم انتظار دارند، انجام نمی‌شود.

داکتر عبدالله رییس اجرایی کشور در هنگام سفر به امریکا وقتی در برابر پرسش اصلاح نظام انتخاباتی قرار گرفت، به وضاحت گفت که برخی ملاحظات در مورد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی وجود دارد و این مشکل پس از برگشت به افغانستان و در مشوره با رییس‌جمهوری برطرف خواهد شد. آقای عبدالله از جزئیات مشکل موجود در کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی پرده برداشت، اما مشخص است که او نیز در این زمینه ملاحظاتی دارد و شاید در برخی موارد در روشنی تصمیم‌ها قرار نگرفته باشد.

از آغاز، بحث اصلاح نظام انتخاباتی به عنوان یکی از اصل‌های توافق‌نامه سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی، دو رویکرد متفاوت را بازتاب می‌داد. رویکرد نخست مربوط به رییس‌جمهوری است که فکر می‌شود اصلاح نظام انتخاباتی برایش چندان در اولویت قرار ندارد و بر اساس یک مجبوریت سیاسی تن به این کار می‌دهد.

با آن‌که هفت ماه از آغاز به کار دولت جدید می‌گذرد، اما بحث اصلاح نظام انتخاباتی همواره با موانع و سدهایی روبه‌رو بوده که عمدتاً از جانب رییس‌جمهوری به‌وجود آمده است. آقای غنی نظام انتخاباتی فعلی را چندان ناکارآمد تشخیص نمی‌دهد و در مورد اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی کاملاً دیدگاه مثبت دارد. آقای غنی فکر نمی‌کند که بحران به‌وجود آمده در انتخابات، ناشی از سوءمدیریت کمیسیون‌های انتخاباتی باشد؛ به همین دلیل او از اصلاحات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت سخن می‌گوید. در اصلاحات کوتاه‌مدت قرار است زمینه برای انتخابات پارلمانی مساعد شود. در اصلاحات میان‌مدت و درازمدت قرار است زمینه برای انتخابات شورای ولسوالی‌ها و بعداً ریاست‌جمهوری فراهم شود.

در راستای منافع قدرت‌مندان عمل می‌کنند و نمی‌توانند خود را از اسارت ارگ و گروه‌های وابسته به آن نجات بخشند. بحران در انتخابات‌های گذشته دقیقاً ناشی از عملکرد نادرست اعضای ارشد کمیسیون‌های انتخاباتی بود. اعضای که با وجود برخی ظاهرسازی‌های دموکراتیک ولی از مجرای ارگ و رییس‌جمهوری پیشین‌گزینش شدند و در رأس کمیسیون‌های انتخاباتی قرار گرفتند. اگر کمیسیون‌های انتخاباتی به‌درستی به وظایف خود عمل می‌کردند، امروز افغانستان دچار وضعیت مدهش فعلی نمی‌بود؛ چون در موجودیت یک نظام انتخاباتی عادلانه، آنان به قدرت می‌رسند که مورد حمایت مردم قرار دارند و در نتیجه، مشروعیت نظام از سوی مردم تسجیل می‌شود.

در حال حاضر، ما شاهد چنین وضعیتی در افغانستان نیستیم. نظام انتخاباتی افغانستان به اصلاحات بنیادی نیاز دارد و به همین دلیل در کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، باید افرادی حضور می‌داشتند که ضمن مستقل بودن با انتخابات و سازوکارهای آن به‌درستی آشنایی می‌داشتند.

هنوز از کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی انتظار آن‌چنانی نمی‌توان داشت؛ این کمیسیون عمدتاً برای وقت‌کشی و ظاهرسازی ایجاد شده است!

که رییس‌جمهوری و رییس اجرایی از اصلاح نظام انتخاباتی سخن بگویند و یا از آن حمایت کنند، بلکه اصل اساسی در این مورد این است که آن‌ها چه برداشتی از اصلاح نظام انتخاباتی در کشور دارند. از جانب دیگر، سرنوشت سیاسی افغانستان، رابطه تنگاتنگ با انتخابات یافته است. بدون داشتن انتخابات شفاف و عادلانه، افغانستان در سراسیمه استبداد و دیکتاتوری سقوط خواهد کرد. در عدم موجودیت نظام انتخاباتی سالم، احتمال این وجود دارد که دیگر اعتماد مردم به روند انتخابات اعاده نشود و سهم و مشارکت مردمی در انتخابات به میزان نگران‌کننده‌ی کاهش پیدا کند.

اگر به تغییرات و اصلاحات در نظام انتخاباتی به عنوان یک اصل دیده نشود، آن‌چه که در فرایند بررسی‌های کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی ممکن است اتفاق بیفتد، تغییرات جزئی و فرعی خواهد بود که اصل تقلب و مهندسی در انتخابات را منتفی نمی‌سازد. مردم افغانستان زمانی به پای صندوق‌های رای خواهند رفت که ببینند در کشورشان نظام انتخاباتی عادلانه و قدرتمند به وجود آمده که از هیچ نهاد و دستگاه قدرتمندی دستور نمی‌گیرد.

انتخابات‌های گذشته در افغانستان نشان داد که با وجود مستقل بودن کمیسیون‌های انتخاباتی، این کمیسیون‌ها

فراهم شود. طرح مسأله اصلاح نظام انتخاباتی به این شکل، بدون شک راه به جایی نمی‌برد و بیشتر می‌تواند در محور وقت‌کشی و ابقای کمیسیون‌های فعلی عمل کند. دیدگاه رییس‌جمهوری و اطرافیانش در مورد اصلاح نظام انتخاباتی که حالا یکی از همکاران نزدیکش در هنگام مبارزات انتخاباتی نیز در رأس آن قرار گرفته، بیشتر معطوف به حفظ وضعیت موجود است. در طرف دیگر، ریاست اجرایی اصلاح نظام انتخاباتی را پیش از برگزاری هر نوع انتخابات، یک مسأله بنیادی و استراتژیک می‌بیند و خواهان تغییرات و اصلاحات بنیادی و عمیق در نظام انتخاباتی کشور است. ریاست اجرایی در سایه تجربه‌های انتخابات گذشته به این نظر است که با سازوکارهای فعلی انتخاباتی آن‌چه که می‌تواند پیروز شود، جعل و تقلب است و مردم افغانستان شاهد پیروزی خود در هیچ انتخاباتی نخواهند بود. ریاست اجرایی اصلاح نظام انتخاباتی را یک اصل می‌داند و باور دارد که با اصلاحات همه‌جانبه و اساسی، افغانستان وارد نظام واقعاً دموکراتیک خواهد شد. این دو نگاه متفاوت به مسأله اصلاح نظام انتخاباتی، می‌تواند مشکلات زیادی را بر سر راه تغییرات در نظام انتخاباتی کشور به‌وجود آورد. اصل اساسی این نیست

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز / 20% تخفیف	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالایی صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$60	\$48	\$36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$70	\$56	\$42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$350	\$280	\$210
5	قسمت بالایی صفحه اخیر	12/6 cm	\$100	\$80	\$60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
7	در قسمت بالایی وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200